

آينه ايران

بهترین دوران مناسبات ایران و عراق

● **سیدمحمدصادق خرازی، کارشناس سیاست خارجی:**
مراودات اقتصادی ایران و عراق در ۱۰ ماه گذشته به حدود ۱۲ میلیارد دلار رسیده است که در صورت رفع موانع و فراهم‌کردن امکانات و اعطای تسهیلات به فعالان اقتصادی دو کشور، ظرفیت آن را دارد که تا ۲۰ میلیارد دلار در سال که هدف دو کشور است، ارتقا یابد و با درنظرگرفتن مراودات اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم حتی امکان رسیدن تا ۳۰ میلیارد دلار در سال را نیز دارد.
درحال حاضر عراق رتبه نخست گردشگری را برای ایران دارد، ایران نیز رتبه نخست گردشگری عراق محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که بر اساس آمار، بیش از هفت میلیون گردشگر میان دو کشور در رفت‌وآمد هستند.
در صورت اعطای تسهیلات و رفع موانع از جمله لغو روادید میان دو کشور این رقم می‌تواند به ۱۰ میلیون نفر در سال افزایش یابد.
دکتر ظریف در سفر به عراق خبر داد که طرف ایرانی در نظر دارد روادید را برای تجار و بازرگانان عراقی لغو کند؛ این می‌تواند گامی رو به جلو در گسترش مناسبات دو کشور و در زمینه گردشگری محسوب شود.
ظرفیت‌های گردشگری دو کشور اعم از دینی و غیردینی و جذابیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد می‌تواند در تقویت بیش‌ازپیش صنعت گردشگری دو کشور مؤثر باشد.

مشق بازرگردانن فضا‌های شهر به مردم

● **محمد سالاری، عضو شورای شهر تهران:**
یکی از ارکان حکمروایی شهری، تعامل و همکاری بین سازمانی است. دستگاه‌های متعددی که به اندای مختلف بر شهر اثرگذار هستند، در غیاب مدیریت یکپارچه شهری هرکدام صرفا به منافع و دغدغه‌های سازمانی خود پایبندند و در این میان آنچه فراموش می‌شود، حق بر شهر شهروندان و منافع عمومی شهر به‌منابه یک کل است.
توافق و همکاری شهرداری تهران با وزارت امور خارجه در موضوع بازگشایی میدان مشق می‌تواند الگو و مدلی برای بازکردن بسیاری از گر‌های مدیریتی فعلی شهر تهران باشد.
بالین حال باید فراموش کرد که راهکار اساسی برای حل تعارضات بین‌سازمانی، شکل‌گیری مدیریت یکپارچه شهری است؛ ازهمین‌رو تصویب لایحه مدیریت یکپارچه شهری هم از سوی دولت و مجلس و هم از سوی نهادهای مدیریت شهری باید با سرعت و جدیت بیشتری پیگیری شود.
مطالبه عمومی و حساسیت شهروندان به فضا‌های عمومی سرمایه گرانهایی است که باید در جهت بازپس‌گیری شهر و سپردن آن به صاحبان واقعی‌اش به کار گرفته شود.
بازگشایی میدان مشق به روی مردم در همین راستا اقدام ارزشمندی است که می‌تواند مشق خوبی برای توسعه فضا‌های همگانی باشد.

سازمان

واعظی دنبال جایگاه آینده‌خوداست

● **علی تاجرنیا، فعال سیاسی اصلاح‌طلب:**
در دور اول ریاست‌جمهوری روحانی که اساسا از مجموعه دفتر رئیس‌جمهوری هیچ کاری برای روحانی و حمایت از مواضع و عملکرد او در برابر جریان رقیب مشاهده نشد و اصلاح‌طلبان به‌طور کامل حامی او بودند، در دور دوم بار برخی از اصلاح‌طلبان از روحانی حمایت می‌کنند، به‌ویژه در جاهایی که به ایشان حملات تندی می‌شود.
باز اصلاح‌طلبان وارد صحنه می‌شوند و از حلقه اول حسن روحانی موضع و سخنی را نمی‌شنود.
اگر برجامی رخ می‌دهد، FATF مطرح می‌شود، باز اصلاح‌طلبان هستند که در کنار روحانی می‌ایستند.
لذا فکر می‌کنم که مواضع واعظی عمدتا از خواستگاه اصولگرایی او نشئت می‌گیرد.
او پس از دولت روحانی و در یک دولت اصلاح‌طلب، هیچ جایگاهی نخواهد داشت؛ بنابراین برای ریاست‌جمهوری آقای علی لاریجانی تلاش می‌کند و دنبال جایگاهی برای خودش است.

انتقاد

تقابل فکری با تعامل علمی

● **عباس عبدی:**
سوال این است که آقایان تاجزاده و زاکانی یا بنده چگونه می‌توانیم بی‌طرف و منصفانه از عملکرد خود در سال ۷۸ دفاع کنیم؟!
آیا این مهم اساسا ممکن است؟
به نظر می‌رسد که این امکان فراهم نباشد و اگر بخواهیم وقایع ۷۸ را با رویکردی بی‌طرف و عادلانه بررسی کنیم، باید به یک طرف ثالث رجوع کنیم؛ بنابراین به عقیده من برگزاری مناظره‌هایی از این دست، پوست خربزهای است که بعضا رسانه‌ها زیر پای سیاستون می‌اندازند؛ زیرا رسانه‌ها برای تیراز نیز به خوراک نیاز دارند و خوراک رسانه‌ها در مطرح‌کردن چنین موضوعاتی است؛ حتی اگر در این مورد رسانه نقشی نداشته باشد.
البته به‌هیچ‌عنوان قصد ندارم، دوستان رسانه‌ای را محکوم کنم؛ آنها کار خود را می‌کنند، اما معتقدم ادامه این رویه در آینده، نه به نفع کشور خواهد بود و نه به نفع جامعه و حجاج‌ها.
جالب آنکه منشأ به چنین اتفاقی در روزهای گذشته در مورد مرحوم آقای هاشمی‌فسنجانی نیز رخ داد و عده‌ای به نام بازخوانی تاریخ در دفاع از ایشان وارد کود شده و طبعاً در مقابل، به همین بهانه علیه وی سخن رانده شده است.

ادامه از صفحه ۳

ایران هم‌راستا بود و قابلیت توافق را پیدا کرده بود.
بله کسانی که بودند شناخت بیشتری از ایران پیدا کرده بودند.
از جمله آقای اوپاما، کری، ویلیام برنز.
● در جریان مذاکرات هسته‌ای، تیم مذاکرهکننده برای سفت و سخت کردن توافق، برجام را در شورای امنیت به تصویب رساند و با قطع‌نامه جدید قطع‌نامه‌های پیشین لغو شد. آنچه از عقل جمعی تیم مذاکره‌کننده به رسانه‌ها درز پیدا می‌کرد، به نظر می‌رسید با این روش، دولت بعدی یا فرد دیگری نمی‌تواند این توافق را از بین ببرد و لازم‌الاجرا خواهد بود و گفته می‌شد که سابقه نداشته در آمریکا دولتی تعهدات دولت قبلی را از بین ببرد. به نظرثان الان که از آن زمان گذشته و این موضوع از نسوی مخالفان داخلی بسیار مورد نقد قرار دارد، باید به این نکته بیشتر فکر می‌شد یا خروج آمریکا از برجام از منظر عملکرد عجیب ترامپ، قابل تحلیل است؟
در هر کشوری با تغییر دولت، به برخی از توافقات بیشتر توجه می‌شود و به برخی کمتر. گاهی هم می‌توانند از همان مسیر که آن را تصویب کرده‌اند توافق را بردارند. مثلا در مورد روابط با کوبا در حالی که از ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۵ تمام مصوبات مجلسین ایالات متحده آمریکا و تمام فرمان‌های اجرائی رئیس‌جمهور در محدودسازی و تحریم و فشار آوردن بر کوبا بود اما آقای اوپاما تصمیم گرفت در مورد این کشور روش دیگری اتخاذ کند.
این مثال همین بحث است که رئیس‌جمهور به قواعد و مصوبات قبلی وقعی نتهاد. این طبیعی است.
به نظر من نباید از دیپلمات‌های ایرانی انتظار و توقع داشت که به یک توافق یا معاهده و پیمانی می‌رسیند که هیچ‌گونه خلل و نفوذی در آن نتوان ایجاد کرد. چون آنها هم انسان هستند. انسان از لحاظ تصمیم‌گیری و روش برخورد با موضوعات عقلایی رفتار می‌کند و همه می‌دانند که در روش‌های عقلایی محدودیت‌هایی وجود دارد. هرچه پارامترهایی را لحاظ کنید، باز هم پارامترهایی هست که نمی‌توان لحاظ کرد یا از ذهن شما دور خواهد بود.
خصوصا که آقای ترامپ هم سیاست‌مداری بحرانی است، یعنی سیاست‌مداری است که بسیار سخت می‌شود تصمیم‌گیری‌هایش را از قبل حدس زد. مثلا در مورد دیوار مرزی با مکزیک، تعطیلی برخی از دستگاه‌های فدرال از ۲۵ روز، افزون شده اما ایشان کوتاه نمی‌آید.
این‌ها روش‌هایی است که در عالم دیپلماتیک کمتر اتفاق افتاده اما افتاده است.
به هر حال نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم این است که برجام و توقعی که مردم از برجام داشتند، این بود که همه مشکلات حل می‌شود. برجام یک تلاش انسانی و دیپلماتیک برای کم‌کردن فشارهای تحریم علیه ایران بود که به نظر در اندازه خودش موفق بود. ولی مشکلات اساسی کشور را حل نمی‌کند. مشکلاتی مانند عدم بهره‌وری درست، راندمان بخش‌های مختلف به‌خصوص بخش صنعت یا مسائل مربوط به توقعاتی که مردم از دولت دارند.
وقتی جلسات اتاق بازرگانی برگزار می‌شود، باید همیشه چند نفر از مقامات دولتی حضور داشته باشند و مسئولان اتاق بازرگانی علیه دولت همکاری می‌کنند که چرا فلان کار را برای ما نکرده است.
آیا بخش خصوصی و تجار ترکیه هم این مقدار به دولتشان توجه دارند و خودشان مستقل از دولت تصمیم نمی‌گیرند؟

● برخی معتقدند ایران در برجام می‌ماند و فعلا این توافق را ادامه می‌دهد تا پایان دولت اول ترامپ. حتی برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که دموکرات‌های آمریکایی هم این پیام را به ایران می‌دهند که دوام بیاورید، ما در انتخابات به قدرت برمی‌گردیم و توافق را احیا می‌کنیم. چندر این شنیده‌ها قابل اعتماد است و آیا می‌توان به این صورت به برجام ادامه داد یا خارج‌شدن از آن به نفع ماست؟

به نظرم براساس همان مطلبی که اول مصاحبه گفتم، کشورها با موافق نظم جهانی‌اند یا مخالف. باید در آنجا دید که کشور ما و اهدافی که برای توسعه



بن

سید

نقی

شرف

نااطمینانی زیادی وجود دارد و رفتارش خیلی قابل پیش‌بینی نیست، اما همین غیرقابل پیش‌بینی‌بودن از مزیت‌های برخی از دولت‌هاست. اگر تشخیص داده شود می‌توان با آمریکا مذاکره کرد شاید همین الان و قتش باشد. چون از یک طرف ایران کارتهای برنده متعددی در منطقه دارد و از طرف دیگر آمریکایی‌ها زیر فشار زیادی هستند و خروج از سوریه نشان‌دهنده این است که دولت آمریکا به این نتیجه رسیده که نمی‌تواند بیشتر از این هزینه نیروی انسانی و لجستیک نیروهای خودش را در منطقه بپردازد.
شایعات زیادی هست که شاید در مورد افغانستان هم این کار را نکنند.
بنابراین در مقیاس جهانی مشکلی وجود ندارد که ایران و آمریکا با هم درباره آینده این منطقه مذاکره کنند. باز هم می‌گوییم اگر از لحاظ کلی این موضوع در سطح بالا موردتوجه قرار بگیرد و مجوز این مذاکرات داده شود، الان وقت مذاکره است.

تاریخ روابط ایران با ایالات متحده نشان می‌دهد ایران اکثر توافقاتش را با جمهوری‌خواهان داشته و اکثر تحریم‌های ایران از سمت دموکرات‌ها انجام شده است.
● پس معتقدید که موضوعات منطقه در شرایط فعلی برای این توافق بهترین محمل است.

اسلامی مجوز مذاکره با آمریکا را به‌دهد یکی از مناسب‌ترین اوقات همین الان است؛ به دلایل منطقه‌ای و فشارهایی که روی آمریکا هست و مسائلی که درباره روسیه و به‌ویژه ترکیه وجود دارد. موضوع تفاوت دیدگاه آمریکا و ترکیه و تفاوت دیدگاه آمریکا با عربستان سعودی در برخی مسائل، فرصت‌های خیلی جذابی برای دیگر بازیگران در این منطقه است.
قطر از این فرصت استفاده می‌کند. خروج قطر از اوپک در راستای نزدیک‌شدن بیشتر به آمریکاست و یک بازیگر بزرگ منطقه‌ای مثل ایران از این فرصت باید استفاده کند.

● الان مذاکره با طالبان هم در جریان است. در قطر، آمریکا نقش آفرینی می‌کند و به نظر می‌رسد ایران درحال نقش آفرینی با طالبان در افغانستان است. پیش از این‌هم ایران و آمریکا بر سر افغانستان با عراق ریزینی‌هایی داشته‌اند. آیا الان مذاکره با طالبان می‌تواند به‌عنوان موضوعی مطرح شود که ایران و آمریکا درباره آن ریزینی کنند؟

تا جایی که به یاد دارم در موضوع افغانستان در کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ دیپلمات‌های ایرانی با طرف‌های دیگر در کنفرانس به گفت‌وگو پرداختند.

● منظورثان آمریکایی‌هاست؟
حاضران در آن کنفرانس، نیروهای داخلی افغانستان، آمریکا، آلمان و فرانسه بودند. دیپلماسی علم یا حرفه مذاکره با دوستان نیست، حرفه مذاکره با دشمنان نیز هست. در طول جنگ ایران و عراق، نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در عراق دایر بود چون فکر می‌کردیم در موقعیت‌هایی نیاز به ارتباط بین دو طرف وجود دارد، در عین حال که در جنگی تمام‌عیار با هم بودیم. مواردی از این قبیل زیاد است. کشور ما در برخی موارد در دنیا موقعیت خوبی دارد، در برخی موضوعات، مفاهیم و حوزه‌ها نیز سطح چندان بالایی ندارد.
به نظرم در دیپلماسی وضعیت ایران خوب است؛ دیپلمات‌های ما دست‌کمی از دیپلمات‌های کشورهای که آنها را توسعه‌یافته می‌دانیم، ندارند. من نگرانی ندارم.
به نظرم اگر یک دیپلمات ایرانی با دیپلمات انگلیسی، فرانسوی یا آمریکایی ملاقات و گفت‌وگو کند، حتما می‌تواند منافع کشور را حفظ کند.
درعین‌حال باید به اینکه آقای ترامپ مشکلات متعددی داخل کشورش و در سیاست خارجی دارد، توجه کنیم و به نظرم موقعیت بسیار خوبی برای ایران است. بازی شطرنج خاورمیانه و بازیگرانش به صورتی شده است که به‌نوعی می‌توان گفت بقیه در حالت اچمز

دیپلماسی

دیپلماسی تنها هنر مذاکره با دوستان نیست

بهتر باشد در منافع ملی یک بار دیگر برای خودمان و نیروهای داخلی کشور توضیح دهیم تا کجا منافع ملی است و از کجا به بعد می‌شود درباره آنها بحث کرد.
به نظرم روابط با اروپا یکی از نقاط بسیار کلیدی، حیاتی و مهم کشور است و به این راحتی نمی‌شود روابط با آن را تقلیل داد یا از برجام با SPV دست کشید.
نکته آخر اینکه مخالفان ما به نقشی و اهمیت اروپا واقف‌اند و شبانه‌روز در یکی از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا تلاش می‌کنند بین روابط ایران و اروپا خلل ایجاد کنند.
آیا ما شبانه‌روز برای اینکه روابطمان با اروپا به هم نخورد، کار می‌کنیم؟

● نمونه جالبش نشست است که قرار است آقای پمپو در لهستان برگزار کند؛ یعنی کشور کوچکی مثل لهستان را به دلیل شرایطش شناسایی می‌کنند و آنجا علیه ایران و خاورمیانه نشست برگزار می‌کنند.
نشست لهستان هم چیزی مثل راه‌اندازی رادیو فردا در جمهوری چک است. ایران بر سر آن شبکه، روابطش را با چک تقلیل داد. امیدوارم با لهستان این کار را نکند.
این‌ها حلقه‌های ضعیف اتحادیه اروپا هستند که نیاز به کمک‌های مالی، اقتصادی و تکنولوژیک آمریکا دارند، به همین دلیل برخی از اوقات به این‌گونه برنامه‌ها تن می‌دهند. البته به نظرم باید درباره افکار عمومی جهانی هم کار کنیم که این موضوع تحت‌الشعاع قرار بگیرد.
● از موعود در پیش‌رو داریم. موعود پایان استثنائی که برای خریداران نفت ایران قائل شده‌اند و یک ماه آینده که مجاری قرار گرفتن ایران در لیست سیاه FATF مطرح می‌شود و این بار اسرائیل هم به عضویت درآمده است. چرا بررسی مجاری FATF و لواایح چهارگانه که این‌قدر تخصصی است، در کشور ما به موضوعی دم‌دم‌ستی تبدیل می‌شود؟ البته این اولین موضوعی نیست که به چنین شکلی همه‌گیرشده است؛ برجام، مذاکره هسته‌ای و توافق هسته‌ای نیز شرایط مشابهی دارند.

ژنرال دوگل بعد از تحولات ۱۹۶۸ پاریس و اعتراضات دانشجویان گفته بود حکمرانی در کشوری که فقط ۱۱۰ نوع پدیر دارد، خیلی مشکل است.
درعین‌حال من هم مثل شما گله دارم که چرا بررسی لواایح چهارگانه این‌قدر طول کشید؟
اما فراموش نکنید این‌ها بخشی از تنوعی است که در ایران است و در یک حالت ممکن است تأخیر داشته باشد و برخی خسارت‌ها را برای ما داشته باشد اما بعدازآن دیگر کشور را بیمه می‌کند.
با همه این حرف‌ها دیدید که مجتمع تشخیص تأیید کرد. پس یک عقلائی در این سیستم هست؛ اگرچه این عقلائیته همراه با تأخیر کار می‌کند.
وارد FATF نمی‌شوم اما در قضیه نفت، به نظر می‌رسد وضعیت جهانی نفت تغییر کرده است. تولید نفت ایران برای به‌هم‌زدن بازی ثبات نفت در دنیا کافی نیست. زمانی تولید نفت ایران می‌توانست این کار را بکند.

● این اتفاق با توجه به عملکرد اخیر روسیه و عربستان تشدید شده است.

عربستان و روسیه تولید نفت را کاهش داده‌اند. در واقع کاهش قبلی را ادامه داده‌اند؛ یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه به علاوه ۶۰۰ هزار بشکه.
منتهای این از مواردی است که آقای ترامپ دنبالش است که اوپک را به‌نوعی به انحصار منتهم کند. بنا بر نظر برخی از اقتصاددانان اوپک یک کارتل است و کارتل در موقعیت‌های انحصار چندجانبه انجام می‌شود که غیرقانونی است.
در قوانین اکثر کشورها کارتل غیرقانونی است. مثلا اگر همه سازندگان خودرو در ایران تباتی کنند که قیمت خودرو بالا برود، غیرقانونی است. در سطح جهانی هم دولت آمریکا می‌گوید این غیرقانونی است.
در چنین موقعیتی به نظر می‌رسد برای فروش نفت نه به لحاظ تحریم‌ها بلکه به دلیل برنامه‌های خودمان دچار مشکل خواهیم شد.
ما باید دنبال مشتری باشیم. در مورد روابط انرژیکی با چین نقطه گذرهمه‌دار داریم.
اگر یا دید کل کنیم، یا به مورد همین‌طور.
در مورد کره جنوبی، چون مسئله انرژی به مسئله مالی برمی‌گردد، برخی از معافیت‌هایی که دولت آمریکا داده بود اصلا اجرائی نشد. یعنی آن کشورها از ایران نفت نخریدند؛ ایتالیا، یونان، کره جنوبی، ژاپن، یا خیلی کم خریدند یا اصلا نخریدند.
باید دنبال مشتری باشیم. نمی‌شود در تهران در طبقه ۱۵ شرکت ملی نفت نشست و گفت مشتری می‌آید و ما انتخاب می‌کنیم که به مشتری‌ای نفت را بدهیم که حتما به پالایشگاه می‌دهد و خروشانم است و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی دنیاست.
خیلی باید کار کنیم و دنبالش باشیم. مثل بقیه کالاهای دنیا که فروشنده بازاربایی می‌کند، برای نفت خام هم باید دنبال بازاربایی باشیم.
نکته بعدی اینکه نمی‌دانم چرا وزارت نفت فکر می‌کند شرکت‌های نفتی همان‌هایی هستند که از صد سال قبل بودند و کوچکت‌رها و متوسط‌ها و (SME)ها را چرا تحویل نمی‌گیرد و با آنها صحبت نمی‌کند.
اگر صد شرکت داشته باشیم که هرکدام به‌حد هزار بشکه نفت دارند، بهتر است که اینکه یک شرکت یک میلیون بشکه در روز؟
به معلوم است دومی راحت‌تر است اما آن مربوط به زمانی بود که برخلاف الان دستان باز بود.

● به نظرثان حتی با از بین رفتن معافیت‌های آمریکا بازاربایی ما می‌تواند موفق باشد؟

بله راه‌های برای موفقیت هست. هیچ‌وقت در دنیا همه راه‌ها بسته نمی‌شود.
نکته آخر اینکه به نظرم بورس فروش نفت به ایرانی‌ها هم کار خوبی است؛ اگرچه نمی‌شود با این کار همه مشکلات را حل کرد اما باز هم خوب است.
حدود ۴۰ سال بود که وزارت نفت مقاومت می‌کرد به ایرانی‌ها نفت خام بفروشد. خلاصه کنم، کار تجارت در جهان کاری است، سخت و شاق و زمانبر. این باید یاد بگیریم.

ادامه از صفحه اول

یکتاپرستی ایرانیان در شاهنامه

به روز نخسته سر مهر ماه/به سر برهاد آن کیانی کلاه /زمانه بی‌اندوه گشت از بدی /گرفتند هرکس ره ایزدی
و هنگامی که فردون تاج کیانی بر سر می‌گذارد و بزرگان و لشکریان به حضورش می‌آیند تا به‌نوعی با او بیعت کنند و فرمانپذیری خویش را ابراز دارند، او را با صفت یزدان‌پرست می‌ستایند.
بزرگان لشکر چو بسناخندند/بر شهباز جهان تاختند /که ای شاه پیروز یزدان شاس / ستایش مر او را و زویت سیاس
و نیز وقتی منوچهر، نواده ایرج انتقام خون نیای پاکدل خود را از تور می‌گیرد و برای فریدون، نیای بزرگ خویش، آن نبرد را گزارش می‌کند، سر نامه را با یاد خداوند آغاز می‌کند.

به شاه آفریدون یکی نامه کرد/ ز مشک و ز عنبر سر خامه کرد/نخست از جهان آفرین کرد یاد / خداوند خوبی و پاکی و داد

یکی از چهره‌های برجسته و ستودنی در شاهنامه، کیخسرو فرزند سیاوش و دخت افراسیاب است که در توران زاده می‌شود و افراسیاب سودای آن دارد که آن کودک را نیز نابود کند که به لطف پیران‌ویسه از مرگ رهایی می‌یابد و به همت گیو گودرز به ایران بازگردانده می‌شود.
کیخسرو پس از تکیه‌زدن بر اورنگ پادشاهی در پی یک رشته نبردهای طولانی سرانجام انتقام خون سیاوش را از نیای مادری ددمنش خویش می‌گیرد و پس از ظاهرشدن سروشی بر او که به سرای دیگر می‌خواندش، به تمنیات دنیوی پشت می‌کند و لذایذ اخروی را می‌طلبد.
اورنگ شهبزاری را رها می‌کند و انزوا می‌جوید. اما در روزگار لهراسب است که یکتاپرستی ایرانیان یک‌ویسوی نژاده‌ای به خود می‌گیرد و آتشکده‌های مختلف ازجمله آذربرزین ساخته می‌شود و شاه به هنگام تکیه‌زدن بر اورنگ شهبزاری، بزرگان کشور را این‌گونه فرامی‌خواند:

چو لهراسب بنشست بر تخت داد /به شاهنشاهی تاج بر سر نهاد /جهان آفرین را ستایش گرفت / بنایشش ورا در فرایش گرفت/ چنین گفت کز داور داد و پاک / برامید باشید و با ترس و باک/ نگراننده چرخ کرده‌اند اوست /فراينده فره بنده اوست/ چو دریا و کوه و زمین آفرید /بلندآسمان از برش برکشد

و این پادشاه یکتاپرست تنها مردمان خود را به یکتاپرستی نمی‌خواند که رسولانی را به سرزمین‌های آباد آن زمان مانند روم و هند و چین روانه می‌کند تا معارف دین بهیی را آموزش و گسترش بخشد.

دفاع از حق وکیل

۲- ایجاد زمینه و شائبه فساد و شکل‌گیری رانت و پدیده واسطه‌گری و صورت‌بندی قانونی برای انحصار به نفع تعدادی خاص از اعضای وکالت.
۳- شکستن هیمنه استقلال نهاد وکالت و اخلاص در رسالت حرفه‌ای وکیل مستقل که کیان وکالت را مخدوش و قرین منقصت می‌کند.
۴- عدم شفافیت در چگونگی اعمال معیار تبعیض بین اقلیت وکلای داخل در فهرست واکثرت وکلای خارج از آن و تعارض اصل برابری و عدالت مرجع عمومی نسبت به صاحبان پروانه وکالت و ایجاد تبعیض ناروا.
۵- ایجاد زمینه شکل‌گیری بازار سیاه و مطالبه و تحمیل حق‌الوکاله‌های گزاف به‌علت عرضه محدود و تقاضای زیاد و کثرت مراجعه مردم به وکلای انحصاری داخل در فهرست رئیس محترم قوه قضائیه.

۶- محدودکردن امر شخصی‌بودن تعیین وکیل و اصل اباحه و انعقاد عقد خصوصی و شرعی وکالت و اصل آزادی اراده در اختیار وکیل دلخواه.

۷- القای شائبه عمومی بی‌اعتمادی و ناکارآمدی نسبت به نظام تعیین صلاحیت وکلای دادگستری به‌عنوان امین حکمروایی در تکفل حق دفاع.

۸- خدشه بر مقام شامخ ریاست قوه قضائیه و شخصیت وکلای دادگستری؛ چه اینکه نه در شان جایگاه والای رئیس قوهٔ قضائیه است که عامل ایجاد تبعیض ناروا بین وکلایی شود که صلاحیت برابر قانونی دارند و نه در شان وکلای دادگستری است که نظاره‌گر استقرار چنین تبعیضی بین هم‌صنفان خود باشند.

۹- تحت‌الشعاع قرارگرفتن حق امنیت‌خاطر مردم در اختیارکردن وکیل امین و عدم زمینه اعتماد متهم و بستگان وی به وکلایی که شائبه ارتباط با دستگاه شاکي و ضابطان را دارند.

۱۰- تخفیف مقام وکیل‌هم‌تراز با قاضی. به اعتبار تبصره ۳ ماده‌واحد قانون انتخاب وکیل ازسوی اصحاب دعوی، وکیل در مقام دفاع از احترام متهم و بستگان وی به وکلایی که شائبه ارتباط با دستگاه شاکي و ضابطان را دارند.

۱۱- تخفیف مقام وکیل‌هم‌تراز با قاضی. به اعتبار تبصره ۳ ماده‌واحد قانون انتخاب وکیل ازسوی اصحاب دعوی، وکیل در مقام دفاع از احترام متهم و بستگان وی به وکلایی که شائبه ارتباط با دستگاه شاکي و ضابطان را دارند.

۱۲- تخفیف مقام وکیل‌هم‌تراز با قاضی. به اعتبار تبصره ۳ ماده‌واحد قانون انتخاب وکیل ازسوی اصحاب دعوی، وکیل در مقام دفاع از احترام متهم و بستگان وی به وکلایی که شائبه ارتباط با دستگاه شاکي و ضابطان را دارند.

۱۳- تخفیف مقام وکیل‌هم‌تراز با قاضی. به اعتبار تبصره ۳ ماده‌واحد قانون انتخاب وکیل ازسوی اصحاب دعوی، وکیل در مقام دفاع از احترام متهم و بستگان وی به وکلایی که شائبه ارتباط با دستگاه شاکي و ضابطان را دارند.